



نقش مددکار اجتماعی در نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان بزه دیده

عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی*

شعله قتلویی طرقی**

چکیده

همزمان با حرکت نظام عدالت کیفری به سمت اتخاذ رویکردهای اصلاحی - ترمیمی در برخورد با پدیده بزهکاری و به ویژه بزه دیدگی اطفال و نوجوانان به عنوان یک آسیب اجتماعی، زمینه لازم برای حضور متخصصان علوم اجتماعی، روانشناسی و جرم‌شناسی در کنار سایر کارگذاران سیستم عدالت کیفری فراهم گردید. مددکاران اجتماعی از جمله این متخصصان هستند که با بهره گیری از دانش خود، با حضور در فرآیند کیفری و ارائه خدمات تخصصی خود به مراجع قضایی و طفل و نوجوان بزه دیده، در راستای تحقق هدف سیستم عدالت کیفری (پیشگیری از تکرار جرم و بزه دیدگی)، نقش مهمی را ایفا می کنند؛ این نهاد با تدوین لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، در خصوص اطفال و نوجوانان بزه دیده مورد توجه قرار گرفته و وظایف مختلفی را مانند ارائه گزارش بزه دیدگی، مشاوره به قاضی دادگاه در خصوص صدور حکم حضانت و سرپرستی، نظارت بر اجرای مجازات ها و... بر عهده مددکار اجتماعی قرار داده است، با این حال هنوز مددکاران اجتماعی از ساز و کارهای قانونی و اجرایی لازم برای حضور در تمام مراحل دادرسی کیفری و ارائه خدمات تخصصی و حمایتی خود، برخوردار نیستند. هدف نوشته حاضر تبیین نقش مددکار اجتماعی در مراحل مختلف دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان بزه دیده و تحلیل رویکرد لایحه مذکور در این زمینه است.

واژگان کلیدی: اطفال و نوجوانان، بزه دیدگی، دادرسی کیفری، مددکار اجتماعی

* دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد، وکیل پایه یک دادگستری.

پست الکترونیک: javan-j@um.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، وکیل دادگستری.

پست الکترونیک: tshoale@yahoo.com



مقدمه

امروزه در اکثر کشورها، پدیده بزه دیدگی اطفال و نوجوانان رو به افزایش است؛ این افراد دارای شرایط روحی و جسمی خاص هستند و به دلیل اینکه شخصیت، روان و جسم آنان در این دوران در حال شکل گیری و رشد است، همچنین به خاطر عدم کمال عقلی، در برابر بزه دیدگی آسیب پذیر هستند.

بزه دیدگی اطفال و نوجوانان معلول عوامل مختلفی است. یکی از مهم ترین عللی که موجبات بزه دیدگی مجدد این افراد را فراهم می کند، برخورد اطفال و نوجوانان بزه دیده با نظام عدالت کیفری است چرا که مقامات سیستم عدالت کیفری آسیب پذیری جسمانی و روانی این افراد و احساس ناامنی و نیاز آنان را به حمایت ویژه درک نکرده و با رفتار و تصمیمات خود آسیب های جبران ناپذیری را برای آنان به ارمغان می آورند، در همین راستا اتخاذ رویکرد پیشگیرانه و حمایتی نسبت به این قشر جهت پیشگیری از بزه دیدگی و تأمین حمایت های افتراقی ویژه و متناسب با نیازهای آنان در مراحل دادرسی کیفری، امری ضروری و انکارناپذیر است.

در واقع همان طور که نگرش به طفل و نوجوان بزهکار در سیستم عدالت کیفری به صورت متفاوت از بزرگسالان مطرح می باشد، طفل و نوجوان بزه دیده نیز در فرآیند کیفری به نگرشی افتراقی نیازمند است.

سیاست گذاران جنایی برای اجرای این رویکرد و شکل دهی و پایه ریزی نظام دادرسی ویژه طفل و نوجوان بزه دیده، نیازمند بهره گیری از ظرفیت نیروهای متخصص در امر آسیب شناسی اجتماعی از جمله مددکاران اجتماعی هستند. مددکاری اجتماعی یک خدمت تخصصی و حرف های مبتنی بر دانش و مهارت های خاص است که هدف آن کمک به افراد، گروه ها و جامعه است تا بتوانند با کارایی بیشتری با مشکلاتی که در انجام کار و وظایف اجتماعی خود روبرو می شوند، مقابله کنند و در نتیجه استقلال و رضایت خاطر فردی و اجتماعی را به دست آورند.^۱

مددکاران اجتماعی با توجه به اینکه رسالت خود را بر مبنای توانمندسازی، شکوفایی و شناساندن منابع و امکانات به گروه هدف خود، پایه گذاری کرده اند، می توانند با به کارگیری دانش تخصصی خود، با حضور در سراسر فرآیند کیفری و ارائه توصیه های مشاوران به تصمیم گیران قضایی، تسهیل ورود کودک و جوان بزه دیده به دادرسی کیفری، کمک به بازتوانی آنان و ... نقش مؤثری را در حمایت از این قشر ایفا کنند. در نظام عدالت کیفری ایران، قانون گذار با تصویب قانون حمایت از کودکان و



نوجوانان ۱۳۸۱، توجه خود را به ایجاد یک سیستم عدالت خاص کودک و نوجوان در معرض خطر و بزه دیده نشان داد. با این حال این قانون از خلأهای جدی در زمینه حمایت از این قشر برخوردار بود، به طور مثال عدم توجه به ایجاد یک دادرسی ویژه کودک و نوجوان بزه دیده و در نتیجه عدم استفاده از نهادهای مشارکتی غیرقضایی مانند مددکاران اجتماعی از جمله مهم ترین چالش های این قانون بود.

این خلأ قانونی باعث شد تا قوه قضاییه لایحه ای تحت عنوان لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان تدوین کند؛ این لایحه در قالب ۵۴ ماده در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۱ به تصویب مسوولان عالی قضایی رسید و در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۸ تقدیم دولت شد.^۱ در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۹۰ لایحه فوق در کمیسیون لوایح دولت دهم به تصویب رسید و در ۲۸ آبان ماه همان سال، به مجلس ارسال شد، سپس در سال ۱۳۹۲ کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، این لایحه را به کمیته حقوق خصوصی ارجاع داد تا در این کمیته مورد بحث و بررسی قرار گیرد.^۲

لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان با ایجاد یک نظام حمایتی برای افراد زیر ۱۸ سال در معرض خطر و بزه دیده، زمینه را برای حضور مددکاران اجتماعی در راستای حمایت از این قشر، فراهم نموده است و با تصویب آن، گام مهمی جهت تقویت جایگاه نهاد مددکاری اجتماعی در دادرسی کیفری ویژه اطفال و نوجوانان بزه دیده برداشته می شود.

این مقاله با توجه به نو بودن و نداشتن سابقه موضوع مددکاری اجتماعی در نظام دادرسی کیفری ویژه اطفال و نوجوانان بزه دیده، ضمن تبیین نقش مددکار اجتماعی در مراحل مختلف دادرسی فوق، با بررسی نوآوری های لایحه فوق در این خصوص، رویکرد قانونگذار را در زمینه به کارگیری این نهاد در نظام عدالت کیفری کودک و نوجوان بزه دیده مورد تحلیل قرار می دهد.

این مقاله در سه گفتار سازماندهی شده است. در گفتار اول نقش مددکار اجتماعی در مرحله پیش از رسیدگی مورد تحلیل قرار می گیرد؛ گفتار دوم به بررسی نقش این نهاد در مرحله رسیدگی و صدور حکم اختصاص یافته است و گفتار سوم نقش مددکار اجتماعی را در مرحله اجرای حکم و پس از آن مورد بررسی قرار می دهد.

گفتار اول:

نقش مددکار اجتماعی در مرحله پیش از رسیدگی

مرحله پیش از رسیدگی، اولین مرحله مواجهه طفل و نوجوان بزه دیده با نظام

۱- شریف زاری، ۱۳۸۹، ۶۱.

۲- خبرگزاری میزان، ۱۳۹۴.



عدالت کیفری پس از وقوع جرم است، به همین دلیل در شکل گیری نحوه نگرش این افراد به سیستم قضایی به عنوان مرجعی که حامی بزه‌دیدگان است، تأثیر بسزایی دارد، بنابراین اگر این افراد در این مرحله خود را در کنار نیروهای کارآزموده ببینند که با آنان با احترام رفتار می‌کنند و برای بازگرداندن حقوق و آرامش آنان تلاش می‌کنند، موجبات اعتماد و اطمینان این افراد به نظام کیفری و همکاری با آنان و ترمیم صدمات وارده، فراهم می‌شود. در مقابل نادیده گرفتن موارد فوق، باعث سلب اعتماد طفل و نوجوان بزه دیده از سیستم قضایی شده و بزه دیدگی ثانویه^۱ را به دنبال خواهد داشت. مددکار اجتماعی با حمایت از اطفال و نوجوانان بزه دیده برای رسیدن به حقوق قانونی خود از جمله اعلام وقوع جرم و تعقیب کیفری بزه‌کار و انجام مصاحبه و تحقیق از آنان می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی داشته باشد که در ادامه به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

۱- تسهیل ورود اطفال و نوجوانان بزه دیده به فرآیند کیفری

یکی از ویژگی‌های جرایم علیه اطفال و نوجوانان، پنهان ماندن این جرایم است. اغلب این افراد پس از ارتکاب جرم به دلیل ترس از انتقام دوباره بزه‌کار یا خویشاوندی با بزه‌کار، به خصوص در زمانی که بزه‌کار یکی از والدین و نزدیکان آنان می‌باشد، مایل به اعلام شکایت نیستند، به همین دلیل قانونگذاران کشورهای مختلف تلاش می‌کنند به عنوان یکی از راهکارها در راستای کاهش رقم سیاه در این نوع جرایم و افزایش موارد گزارش دهی آنان به مقامات قضایی، به طریقی مشارکت عموم افراد جامعه را در گزارش دادن موارد بزه دیدگی کودکان و نوجوانان جلب نمایند.^۲

مطابق مواد ۲۲ و ۳۴ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان^۳، جرایم علیه کودک و نوجوان جنبه عمومی داشته و همه افراد جامعه مکلفند به نحوی که خطری متوجه آنان یا دیگران نشود، موارد بزه دیدگی کودکان و نوجوانان را به مقامات قضایی اعلام کنند و در صورت عدم اعلام به مجازات مندرج در ماده ۲۲ لایحه مذکور، محکوم می‌شوند؛ این

۱- بزه دیدگی ثانویه به آثاری که از رهگذر پاسخگویی و عکس العمل افراد مانند اعضای خانواده یا برخی از نهادهای مرتبط با کودک و نوجوان خصوصاً در فرآیند عدالت کیفری مانند پلیس، دادسرا و دادگاه به بزه دیده وارد شود، گفته می‌شود.

۲- قماشچی، ۱۳۸۵، ۱۰۵.

۳- ماده ۲۲ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان: «هر کس به هر نحو از وجود اوضاع و احوال مخاطره آمیز و یا وقوع جرم علیه کودک و نوجوان مطلع شود و با وجود آن که خطری متوجه خود او یا دیگران نشود، مراتب را به مراجع صالح اعلام نکند، به ۹۱ روز تا یک سال حبس و یا پرداخت جزای نقدی از ۵ تا ۱۵ میلیون ریال محکوم می‌شود»؛ ماده ۳۴ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان: «تمام جرایم موضوع این قانون جنبه عمومی داشته و بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب می‌باشد و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب موقوف نخواهد شد».

مجازات برای افرادی که به اقتضای حرفه ی خود یا به موجب قانون مکلف به گزارش دهی هستند، تشدید می شود.

مددکاران اجتماعی به اقتضای حرفه خود و حضور در سطح جامعه و برخورد با کودکان و نوجوانان، در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان بزه دیده مکلف به ارائه گزارش بزه دیدگی آنان به مراجع قضایی هستند.

در این راستا ماده ۶ لایحه فوق الذکر^۱، سازمان بهزیستی را با مشارکت سایر نهادها و با استفاده از مددکاران اجتماعی خود (در قالب تیم های تخصصی سیار) مکلف به فراهم آوردن شرایط گزارش دهی و ارائه گزارش بزه دیدگی به مقامات قضایی کرده است، بنابراین مددکاران اجتماعی با ارائه گزارش جرایم علیه این افراد به مقامات قضایی، روند ورود کودکان و نوجوانان بزه دیده را به دادرسی کیفری جهت اتخاذ تدابیر حمایتی و پیگیری های قانونی برای جبران خسارات وارده به آنان، تسهیل می کنند؛ این گزارش از آنجایی که مبنای تصمیم گیری دادگاه در رابطه با کودک و نوجوان بزه دیده قرار می گیرد، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. این گزارش برای دادگاه در حکم سندی است که تنظیم کننده آن باید مسؤولیت صحت اطلاعات آن را بر عهده بگیرد^۲ بنابراین مددکار اجتماعی برای ارائه این گزارش باید با اصول گزارش نویسی، هدف ارائه آن و مسأله های حقوقی مورد نیاز آشنایی داشته و اطلاعات ضروری را با زبانی گویا و روان و با رعایت صداقت و امانت بیان کند.

لایحه مذکور در زمینه محتویات گزارش فوق ترتیب خاصی را پیش بینی نکرده اما یک گزارش کامل، شامل مشخصات فردی مراجع و خانواده و علت مراجعه، مشکل یا نیاز مراجع و ویژگی های آن و مداخلات انجام گرفته برای حل مشکل است.^۳ در واقع مددکار اجتماعی علاوه بر ذکر مشخصات دقیق و کامل بزه دیده و خانواده وی، باید موارد ذیل را در گزارش خود ذکر کند:

- علت بزه دیدگی و خصوصیات آن (شامل ماهیت، شدت و مدت استمرار

بزه دیدگی)

۱- ماده ۶ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان: « سازمانها و نهادهای مرتبط با کودکان و نوجوانان موضوع این قانون عهده دار وظایف زیر می باشند: الف) سازمان بهزیستی کل کشور موظف است با همکاری و مشارکت سایر دستگاه های اجرایی و نهادهای غیردولتی مرتبط و با استفاده از مددکاران اجتماعی در قالب تیم های تخصصی سیار یا مستقر در مناطق و محلات شهرها و یا روستاها با حضور نماینده شهرداری یا دهیاری و یکی از معتمدان محل به انتخاب شورای شهر یا روستا، نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش، جمع آوری و ثبت آمار و اطلاعات، تشخیص آسیب، نگهداری، توانمندسازی، نظارت بر وضعیت، پیگیری، پایش و ارزشیابی اقدامات راجع به کودکان و نوجوانان در معرض خطر و بزه دیده و ارائه گزارش موردی و ادواری و اعلام مراتب مورد نیاز به دادگستری اقدام نماید».

۲- اقلیما و راهب، ۱۳۸۵، ۱۴۶.

۳- قماشچی، ۱۳۸۸، ۶۵.



- طریقه اطلاع یافتن از بزهدیدگی و ذکر مشخصات گزارش دهنده جهت سنجش میزان صحت اطلاعات به دست آمده
- ذکر علل ضرورت مداخلات صورت گرفته در بحران بزهدیدگی بدون کسب مجوز قانونی (ماده ۳۷ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان^۱)
- در صورت امکان تعیین مشخصات متهم و نسبت او با بزهدیده
- ارزیابی بحران و خطراتی که کودک و نوجوان در حال حاضر در معرض آن قرار دارد
- اقدامات صورت گرفته در راستای حمایت از کودک و نوجوان

۲- تحقیق و مصاحبه با اطفال و نوجوانان بزهدیده

تحقیق و مصاحبه با اطفال و نوجوانان بزهدیده، باید با در نظر گرفتن نیازهای خاص آنان و متناسب با حقوق انسانی و اخلاقی از جمله احترام به شأن، همراه با رفتاری کرامت مدار باشد^۲، بدین منظور در اکثر کشورها، تحقیق و مصاحبه با اطفال و نوجوانان بزهدیده توسط افراد آموزش دیده انجام می پذیرد چرا که عدم رعایت حقوق آنان در امر تحقیق، از یک طرف باعث عدم همکاری و تعامل این افراد با نظام عدالت کیفری خواهد شد و از طرف دیگر ممکن است منجر به بزهدیدگی ثانویه شود.

ماده ۴۳ لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان^۳ نیز به این مهم توجه کرده، همچنین ماده ۴۳ آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، بازجویی و تحقیقات را از افراد نابالغ توسط ضابطان آموزش دیده زن، پیش بینی کرده است.

یکی از افرادی که می تواند در انجام امر مصاحبه و تحقیق با کودکان و نوجوانان موفق عمل کند، مددکار اجتماعی است. یکی از مهارت های مهم مددکار اجتماعی، مهارت مصاحبه است؛ مصاحبه در مددکاری به منزله وسیله های برای شناخت، درک مددجو و مشکل او در جریان مشکل گشایی و ایفای نقش حرف های مددکاران اجتماعی است که برقراری یک رابطه مناسب را جهت درک احساسات و بیان درونی مددجو فراهم می آورد و منجر به طرح مشکلات، اندیشیدن راجع به آنها و چاره

۱- ماده ۳۷ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان «مددکاران اجتماعی بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری و ضابطان دادگستری به منظور انجام تحقیقات و اقدامات موضوع این قانون، حق ورود به محل زندگی و کار افراد را جز با اجازه متصرف قانونی و یا دستور مقام قضایی ندارند، مگر در خصوص اقدامات حمایتی موضوع ماده ۳۶ این قانون که در این صورت باید در گزارش تنظیمی موضوع این ماده، ادله ضرورت مداخله را نیز به روشنی ذکر کنند».

۲- نقدی نژاد، ۱۳۹۰، ۹۶.

۳- ماده ۴۳ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان: «تمام مصاحبه ها و تحقیقات از کودکان و نوجوانان موضوع این قانون توسط افراد آموزش دیده در این زمینه و توأم با رفتاری احترام آمیز در کمترین دفعات و کوتاه ترین زمان ممکن و با در نظر گرفتن نیازهای خاص آنها به عمل می آید».

اندیشی و کشف راه حل های عملی می شود^۱. مددکار اجتماعی با رعایت تکنیک ها و مهارت های مورد نیاز هنگام مصاحبه مانند نحوه پرسیدن سؤالات، تمرکز هنگام شنیدن پاسخ ها، سکوت به موقع، توجه به زمان و مکان مصاحبه و رعایت شأن و منزلت انسانی مددجو^۲، امنیت خاطر را برای کودکان و نوجوانان بزه دیده فراهم آورده و با جلب اعتماد و ایجاد آرامش در آنان، می تواند اطلاعات زیادی را درباره جرم اتفاق افتاده به دست آورده و در اختیار مقامات قضایی قرار دهد؛ در این راستا ماده ۳۵ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان^۳، به مددکار اجتماعی اجازه انجام تحقیقات و اقدامات مقتضی را از طریق دعوت از کودک و نوجوان بزه دیده به همراه والدین، اولیا، سرپرستان قانونی خود و مراجعه به محل سکونت، اشتغال و تحصیل یا سایر محل های مرتبط با این افراد داده است.

گفتار دوم:

نقش مددکار اجتماعی در مرحله رسیدگی و صدور حکم

مرحله رسیدگی و صدور حکم از اهمیت ویژه‌ای در دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان بزه دیده برخوردار است؛ در این مرحله مشخص می شود که نظام عدالت کیفری چقدر توانسته است حقوق و منافع این افراد را تأمین کند. مددکاران اجتماعی می توانند سیاست بازپرورانه و پیشگیرانه سیستم قضایی را با حمایت از اطفال و نوجوانان بزه دیده در این مرحله و کمک به قاضی دادگاه برای صدور حکم مناسب در خصوص حضانت و سرپرستی این افراد محقق کنند.

۱- حمایت از اطفال و نوجوانان بزه دیده

اطفال و نوجوانانی که به عنوان بزه دیده وارد نظام عدالت کیفری می شوند، به ویژه آنانی که مجبور به شرکت در جلسه دادگاه هستند، معمولاً به دلیل عدم توجه به حقوقشان و عدم حمایت های مختلف عاطفی، روانی و... دچار آسیب دیدگی های مضاعفی می شوند؛ این مهم یکی از عللی است که موجب شده بسیاری از کودکان

۱- باقری، ۱۳۹۳، ۶۷.

۲- جانسون، ۱۳۷۹، ص ۶۱.

۳- ماده ۳۵ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان: «مددکاران اجتماعی بهیستی پس از کسب اطلاع از وضعیت مخاطره آمیز موضوع ماده ۳ این قانون، حسب مورد تحقیقات و اقدامات مقتضی را از طریق زیر انجام می دهند: الف) دعوت والدین، اولیا، سرپرستان قانونی و یا سایر اشخاص مرتبط با کودک و نوجوان و در صورت لزوم دعوت از کودک و نوجوان به همراه آنها
ب) مراجعه به محل سکونت، اشتغال و تحصیل کودک و نوجوان و یا سایر محلهای مرتبط، به همراه ضابطان دادگستری در صورت نیاز».



و نوجوانان بزه دیده تحمل دردها و رنج های حاصل از بزه دیدگی را به ورود به این سیستم، ترجیح دهند، به همین دلیل اجرای برنامه های حمایتی ویژه این گروه آسیب پذیر در مرحله رسیدگی و صدور حکم ضروری به نظر می رسد.

از جمله مهم ترین این برنامه ها، اطلاع رسانی در خصوص حقوق آنان در فرآیند کیفری است. در واقع برخی از نگرانی های اطفال و نوجوانان بزه دیده برای حضور در جلسه دادگاه، ناشی از عدم آگاهی این افراد درباره فرآیند دادرسی کیفری است. این افراد معمولاً اطلاعاتی را درباره چگونگی فرآیند دادرسی کیفری و جایگاه خود در این فرآیند ندارد و نمی دانند به عنوان بزه دیده چه اقداماتی باید انجام دهند و چه مقرراتی را باید رعایت نمایند. همین عدم اطلاع آنان درباره شیوه و روند دادرسی کیفری و حقوق آنان در این فرآیند، باعث نگرانی در کودک و نوجوان بزه دیده و خانواده های شان می شود.

مطابق ماده ۴ پیش نویس اولیه لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان^۱، یکی از وظایف دفاتر حمایتی (که متشکل از مددکار اجتماعی بود)، ارائه خدمات و معاضدت های حقوقی و مددکاری اجتماعی است. در این راستا یکی از خدمات مهم مددکار اجتماعی می تواند ارائه اطلاعات در خصوص منابع و امکانات و حقوق حمایتی موجود در فرآیند کیفری برای این قشر و سایر اطلاعات لازم در خصوص این فرآیند باشد؛ متأسفانه این ماده در لایحه نهایی حذف شد.

یکی دیگر از برنامه های حمایتی مددکار اجتماعی برای اطفال و نوجوانان بزه دیده، فراهم آوردن امکان مشارکت غیرحضورى این افراد در جلسات رسیدگی است. علت اجرای این برنامه عدم مواجهه طفل و نوجوان بزه دیده با متهم در جلسات رسیدگی در دادگاه است؛ رویارویی مجدد آنان با متهم، موجب یادآوری دوباره جرم می شود و فشارهای روانی زیادی را بر کودک و نوجوان وارد می سازد، به همین دلیل ماده ۴۱ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، دادگاه را مکلف نموده تدابیر و اقدامات لازم را برای جلوگیری از ورود آسیب به طفل و نوجوان بزه دیده مانند فراهم کردن امکان مشارکت آنان در جلسه رسیدگی بدون حضور فیزیکی در دادگاه، اتخاذ نماید.

یکی از روش های مناسب برای ایجاد امکان مشارکت غیرحضورى در دادگاه، مصاحبه یک شخص قابل اطمینان (مانند مددکار اجتماعی) با طفل و نوجوان بزه دیده قبل از جلسه رسیدگی و انتقال عقاید و نظرات وی به دادگاه است؛ استفاده از این

۱- پیش نویس اولیه لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان شامل ۸۵ ماده بود که پس از ۳ سال بررسی در اداره تدوین لوایح و برنامه های معاونت حقوقی و توسعه قضایی، در نهایت به ۵۴ ماده کاهش یافته و مورد تصویب مسؤولان عالی قضایی قرار گرفت.



روش، در بعضی از کشورها مانند کانادا و ایالات متحده آمریکا مورد استقبال واقع شده است^۱ بدین ترتیب، بدون اینکه کودک و نوجوان بزه دیده در جلسات رسیدگی حضور داشته باشد، بیانات و اظهارات وی، توسط فردی آموزش دیده مانند مددکار اجتماعی در دادگاه مطرح می شود و نیازی به رویارویی مستقیم او با متهم نیست و از طرفی کودک و نوجوان توانسته است از حق مشارکت در دادرسی بهره مند شود؛ متأسفانه در لایحه مذکور به اهمیت نقش مددکار اجتماعی و اقداماتی که می تواند در زمینه فراهم آوردن امکان مشارکت غیرحضورى انجام دهد، توجه نشده است.

۲- در صدور حکم سرپرستی و حضانت اطفال و نوجوانان بزه دیده

یکی از مسایل مهمی که دادگاه می تواند نسبت به آن همزمان با صدور حکم در مورد مرتکب جرم اظهار نظر کند، حضانت و سرپرستی کودک و نوجوان بزه دیده است. ماده ۴۶ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در این خصوص بیان می دارد: دادگاه رسیدگی کننده به جرایم موضوع این قانون می تواند ضمن صدور حکم محکومیت حسب مورد یک یا چند مورد از تصمیمات زیر را اتخاذ نماید:

الف) معرفی کودک و نوجوان یا خانواده او به سازمانها و نهادهای دولتی و غیردولتی مسوول یا فعال در زمینه مساعدت به افراد و خانواده های بی بضاعت

ب) سلب حق ملاقات، حضانت، ولایت، قیمیت، وصایت و سرپرستی کودک و نوجوان

ج) سپردن موقت یا دائم کودک و نوجوان به سازمان بهزیستی یا مراکز مربوطه

د) سپردن سرپرستی کودک و نوجوان طبق مقررات مربوط به سرپرستی کودکان

فاقد سرپرست

بنابراین طبق ماده فوق، قاضی دادگاه باید از بررسی محیط خانوادگی این افراد در خصوص نگهداری آنان در خانواده یا واگذاری این امر به خانوادگی مورد اعتماد (جایگزین) یا سپردن به سازمان بهزیستی و مراکز مربوطه، تصمیم گیری کند.

دادگاه برای بررسی وضعیت خانواده کودک و نوجوان بزه دیده از لحاظ روانی، تحصیلی، اجتماعی، اقتصادی و... نیازمند تشکیل پرونده شخصیت و استفاده از نظر کارشناسان خبره در این زمینه از جمله مددکاران اجتماعی است^۲. مددکار اجتماعی در

۱- پرنور، ۱۳۸۸، ۵۶.

۲- تشکیل پرونده شخصیت در اکثر کشورهای جهان بر عهده مأموران مراقبتی و مددکاران اجتماعی آموزش دیده است. در این پرونده خلاصه‌های از وضعیت روحی روانی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی فرد درج می شود. برای اطلاع بیشتر در این خصوص رجوع شود به قربانی زبدهی، پگاه؛ پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار با رویکردی تطبیقی به نظام عدالت کیفری کالیفرنیا، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، ۱۳۹۳.



وهله اول باید تلاش کند کودک و نوجوان بزه دیده از خانواده جدا نشود، چرا که جدایی از خانواده اثرات جبران ناپذیر روانی و اجتماعی بر وی می گذارد، بنابراین اگر مددکار اجتماعی تشخیص دهد که می توان با ارجاع خانواده به مراکز حمایتی مربوطه (مانند کمیته امداد، بهزیستی و...) و اجرای برنامه های درمانی و آموزشی مورد نیاز، محیط سالمی را برای تربیت این افراد آماده کرد، باید اقدامات ضروری را انجام دهد. چنانچه به هر دلیل محیط خانواده و والدین، شرایط لازم را برای حضانت و سرپرستی کودک و نوجوان بزه دیده نداشت، سپردن به خانواده جایگزین مطرح می شود. در واقع اهمیت خانواده در فرآیند رشد مطلوب کودکان و نوجوانان موجب شده که حتی در مواردی که رفع شرایط خطر از آنان مستلزم جدا کردن این افراد از خانواده اصلی است؛ راهکار حمایتی بعدی مبتنی بر تلاش برای قرار گرفتن آنان در محیطی مشابه خانواده اصلی باشد^۱.

در انتخاب خانواده مذکور علاوه بر احراز صلاحیت جهت نگهداری طفل و نوجوان به لحاظ مادی و معنوی، باید به نزدیک بودن شرایط خانواده مذکور با شرایط و خصوصیات طفل و نوجوان بزه دیده نیز توجه کرد، به طور مثال نمی توان کودکی را که در خانواده بزهکار اما مرفه در شهر رشد کرده است به خانواده های روستایی هر چند که صالح باشد، سپرد. همچنین موافقت و مشارکت خانواده کودک و نوجوان بزه دیده و خود وی نیز برای اجرای این روش، ضروری است^۲، چرا که در صورت عدم رضایت آنان، اجرا و تحقق اهداف روش فوق با مشکل مواجه می شود.

اگر زمینه بازگشت طفل و نوجوان به خانواده اصلی خود یا سپردن به خانواده جایگزین فراهم نشود، سرپرستی این افراد بر عهده سازمان بهزیستی است؛ مطابق دستورالعمل تخصصی مراقبت و پرورش از کودکان تحت سرپرستی بهزیستی (۱۳۸۸)، کودکان و نوجوانان تا سن ۱۸ سالگی به طور دایم یا موقت، تحت مراقبت این سازمان در مکانی به نام خانه کودک و نوجوان قرار می گیرند. در این مکان مددکاران اجتماعی با همکاری سایر متخصصان از جمله روانشناسان، از طریق آرایه آموزش ها و خدمات لازم زمینه مناسب را برای رشد و پرورش این افراد فراهم می کنند.

گفتار سوم:

نقش مددکار اجتماعی در مرحله اجرای حکم و پس از آن

وظیفه نظام عدالت کیفری در قبال حمایت از اطفال و نوجوانان بزه دیده با تعیین

۱- مهدوی، ۱۳۹۰، ۴۲۷.

۲- دانش، ۱۳۸۶، ۱۶۹-۱۷۰.

مجازات بزهکار، به پایان نمی‌رسد. در واقع زمانی احکام حمایتی دادگاه موجبات پیشگیری را از بزه دیدگی مجدد کودک و نوجوان فراهم می‌کند که بر اجرای آنان نظارت صورت پذیرد تا به درستی انجام شود، همچنین پیگیری وضعیت این افراد بعد از اجرای احکام نیز از دیگر تمهیدات لازم برای تحقق هدف مذکور می‌باشد. به همین دلیل نظام کیفری اغلب کشورها برای نظارت بر اجرای صحیح مجازاتها و پیگیری وضعیت بزهکار یا بزه دیده پس از اجرای حکم، از متخصصان علوم اجتماعی، مددکاران اجتماعی، روانشناسان و ... استفاده می‌کنند^۱. در ادامه به بررسی نقش مددکار اجتماعی در این زمینه پرداخته می‌شود.

۱- نظارت بر اجرای تدابیر و تصمیمات صادره ضمن حکم محکومیت در جهت پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه

نظام عدالت کیفری در جرایمی که بزه دیده، کودک یا نوجوان است، دو هدف اصلی را دنبال می‌کند: ۱- درمان و اصلاح مرتکب ۲- ترمیم آثار بزه دیدگی و پیشگیری از تکرار بزه دیدگی کودک و نوجوان. این مهم در جرایمی که بزهکار از والدین کودک و نوجوان است مانند «خشونت های خانگی» از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است چرا که معمولاً در این جرایم برای قطع نشدن رابطه کودک با خانواده و والدین خود، اغلب حکم به مجازات های اجتماعی یا معافیت از صدور حکم با اجرای دستورات اصلاحی- درمانی بیشتر مورد توجه محاکم قرار می‌گیرد.

نکته قابل توجه این است که اگر قرار باشد بعد از صدور حکم یا قرارهای حمایتی، بزهکار به محیط خانه و جامعه بازگردد بدون آنکه نظارتی بر اجرای دستورات و تدابیر صادره دادگاه ضمن این احکام و قرارها صورت گیرد، نه تنها هدف اصلاح و بازپروری مجرم محقق نشده است بلکه به راهی برای فرار او از مجازات تبدیل شده و خطر بزه دیدگی کودک و نوجوان را مضاعف می‌کند.

در همین راستا ماده ۴۷ لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان^۲، مددکاران اجتماعی سازمان بهزیستی را مکلف نموده که بر نتایج اقدامات و دستورات صادر شده، نظارت نموده و انجام صحیح و مناسب آنها را پیگیری کند.

مددکاران اجتماعی در اجرای این وظیفه باید بزهکار را تحت نظارت خود قرار دهند

۱- شریعت، ۱۳۸۳، ۷۵.

۲- ماده ۴۷ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان: «مددکاران اجتماعی بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری با نظارت مرجع قضایی و در صورت لزوم بهره گیری از خدمات سایر اشخاص و نهادهای مربوط، بر نتایج اقدامات و دستورات صادر شده نظارت نموده و انجام صحیح و مناسب آنها را پیگیری می‌کنند».



و مشارکت وی را در اجرای دستورات حمایتی و اجرای درست و دقیق احکام دادگاه، جلب نمایند و زمینه اصلاح و سازگاری وی را در جامعه فراهم کنند^۱، همچنین باید مشاوره های لازم را به والدین و کودک و نوجوان بزه دیده جهت چگونگی اجرای این دستورات و احکام ارایه داده و چنانچه بزهکار در انجام وظایف خود مبنی بر جبران آثار بزه دیدگی کودک و نوجوان، کوتاهی نماید، مراتب را به دادگاه ارایه دهند.

تبصره ۲ ماده ۴۵ لایحه مذکور در این زمینه بیان می نماید که « هرگاه مرتکب از انجام دستورات صادر شده ضمن قرار تعویق صدور حکم یا تعلیق تعقیب دعوی امتناع ورزد، دادگاه راساً یا به درخواست دادستان قرار صادره را لغو و رأی مقتضی را صادر می نماید.»

مسلماً آگاهی دادگاه از این موضوع، مستلزم گزارش مددکاران اجتماعی است. مددکار اجتماعی مطابق ماده ۴۲ لایحه فوق^۲ می تواند در گزارش خود پیشنهادات حمایتی لازم را در این گونه موارد به دادگاه ارایه دهد. در ماده ۴۴ پیش نویس اولیه لایحه مذکور، واحد حمایت از کودکان و نوجوانان که متشکل از مددکار اجتماعی بوده، می توانست در مواردی که مرتکب از انجام دستورات حمایتی خوداری می کند، راساً تقاضای لغو قرار صادره را از دادگاه بنماید؛ متأسفانه این قسمت از ماده، در لایحه نهایی حمایت از کودکان و نوجوانان حذف شده است، لذا کار مددکار اجتماعی بر نظارت بر احکام و دستورات و ارایه گزارش از نحوه اجرای آنها خلاصه می شود.

علاوه بر موارد فوق، مطابق ماده ۴۸ لایحه مذکور^۳، در مواردی که دادگاه در مورد حضانت و سرپرستی کودک و نوجوان تصمیم می گیرد، می تواند در صورتی که گزارش مددکار اجتماعی حاکی از تغییراتی در وضعیت کودک و نوجوان، والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی باشد، در تصمیمات خود (مبنی بر بازگشت طفل یا نوجوان به خانواده یا جدا شدن او از خانواده)، بازنگری کرده و تصمیمی را که مناسب با شرایط جدید کودک و نوجوان و خانوادگی وی است، اتخاذ کند بنابراین مددکار اجتماعی نظارت بر احکام مربوط به سرپرستی و حضانت را نیز برعهده دارد.

۱- امیری تبار، ۱۳۸۷، ۵۷.

۲- ماده ۴۲ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان: "والدین، اولیا، سرپرستان قانونی کودک و نوجوان و حسب مورد مددکاران اجتماعی بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری یا نمایندگان سازمانهای مردم نهادی که دارای مجوز فعالیت در زمینه حقوق کودکان و نوجوانان هستند، حق حضور را در جلسات دادرسی و ارایه دفاعیه و پیشنهادات حمایتی از کودک و نوجوان دارند."

۳- ماده ۴۸ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان: "دادگاه صادرکننده حکم می تواند با در نظر گرفتن گزارش مددکاران اجتماعی بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری مبنی بر ایجاد تغییر در وضعیت کودک و نوجوان، والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی در تصمیمات صادر شده در مورد سرپرستی، نگهداری و ملاقات کودک بازنگری و اتخاذ تصمیم مجدد کند."

۲- پیگیری وضعیت اطفال و نوجوانان بزه دیده پس از اجرای حکم

هدف از فرآیند مددکاری اجتماعی، توانمندسازی اطفال و نوجوانان بزه دیده است به طوری که به استقلال نسبی رسیده و بتوانند بر زندگی خود کنترل داشته باشند. در برخی موارد به دلیل عمق مشکلات کودک و نوجوان این فرآیند بسیار طولانی و دیربازده خواهد بود و ترمیم آثار بزه دیدگی و پیشگیری از تکرار مجدد آن ایجاب می کند که فعالیتهای مددکاری اجتماعی تا رفع کامل خطر ادامه داشته باشد.

بدین منظور یکی از مراحل مهم در حرفه مددکاری اجتماعی، مرحله پیگیری وضعیت مددجو پس از رفع مشکل است. اصل حاکم در زمینه پیگیری این است که تا زمانی که افراد به استقلال نسبی دست نیافتند، باید پیگیری انجام شود اما پیگیری نباید منجر به وابستگی شود^۱. شروع پیگیری باید در کوتاهترین فاصله از زمان رفع مشکل باشد، اما به مرور زمان می توان فاصله بین دفعات پیگیری را بیشتر کرد البته مواردی چون شدت و عمق مشکل و میزان تأثیر برنامه های اجرا شده در روند حل مشکل نیز در این امر تأثیرگذار است.

پیگیری وضعیت مددجو (اطفال و نوجوانان بزه دیده) به یکی از روش های زیر انجام می شود:

۱- مراجعه حضوری اعم از مراجعه حضوری مددکار اجتماعی از طریق بازدید از منزل، مدرسه و ... طفل و نوجوان بزه دیده، مراجعه حضوری طفل یا نوجوان بزه دیده یا یکی از اعضای خانواده وی به محل کار مددکار اجتماعی.

۲- تماس تلفنی مددکار اجتماعی با مراجع (طفل و نوجوان بزه دیده) و خانواده وی یا بالعکس.

۳- مکاتبه مددکار اجتماعی با مراجع (طفل یا نوجوان بزه دیده) که در این صورت، مددکار اجتماعی باید مطمئن باشد نامه به دست مراجع می رسد و ارسال آن مشکلی برای مراجع ایجاد نمی کند، خصوصاً هنگامی که مددجو علاقه ای به مطرح کردن مشکل خود با خانواده ندارد^۲.

اگر مددکار اجتماعی در طول مدت پیگیری از بروز مشکلاتی در مددجو یا خانواده وی مطلع شد، باید بلافاصله برای حل مشکل مداخله کند یا در صورت نیاز، آنان را به مؤسسات مربوطه ارجاع دهد، بدین ترتیب لازم است نظام عدالت کیفری، ترتیبی فراهم نماید که مددکار اجتماعی پس از اتمام فرآیند کیفری نیز کودکان و نوجوانان بزه دیده

۱- موسوی چلک، ۱۳۸۷، ۲۰۲.

۲- همان، ۲۰۱.



را تحت نظارت داشته و شرایط و وضعیت آنان را پس از اجرای حکم، پیگیری نماید و تا اتمام فرآیند مددکاری اجتماعی، حمایت های لازم را به عمل آورد.

بدین منظور، ماده ۵ لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان، پیگیری و پایش وضعیت کودکان و نوجوانان بزه دیده یا در معرض خطر را پس از اجرای رأی و ارزشیابی اقدامات به عمل آمده، در قالب یکی از وظایف دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان مورد تأکید قرار داده است.

مطابق ماده ۶ لایحه مذکور، مددکاران اجتماعی در راستای انجام این وظیفه می توانند از سازمان ها و نهادهای دیگر همچون سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی، آموزش و پرورش و ... کمک بگیرند.

پیگیری وضعیت کودکان و نوجوانان بزه دیده پس از اجرای حکم، باعث می شود چنانچه اقدامات و دستورات حمایتی دادگاه برای برگرداندن بزه دیده به زندگی عادی کافی نبوده یا وضعیت مخاطره آمیز جدیدی آنان را تهدید می کند، با اقدامات حمایتی فوری مانند دور کردن بزه دیده از محیط خطرزا، معرفی آنان به مراکز مشاوره و روان درمانی جهت تکمیل فرآیند درمان و ترمیم آثار بزه دیدگی و... مانع ورود آسیب جدید به کودکان و نوجوانان و ورود دوباره آنان به چرخه عدالت کیفری می شود.



نتیجه

مددکاری اجتماعی، حرفه ای تخصصی است که با بهره گیری از دانش تخصصی خود، در صدد کمک به گروه هدف خود است. یکی از گروه های هدف مددکار اجتماعی اطفال و نوجوانان هستند؛ اطفال یا نوجوانانی که به دلیل شرایط یا موقعیت های فردی- محیطی یا اجتماعی به ورطه ی بزه- دیدگی سقوط کرده اند.

مددکاران اجتماعی برای ارایه خدمات تخصصی خود به مراجع قضایی و اطفال و نوجوانان بزه دیده، باید از پشتوانه قانونی لازم برای مشارکت در فرآیند کیفری برخوردار باشند.

متأسفانه قوانین ایران از ایجاد دادرسی کیفری ویژه اطفال و نوجوانان بزه دیده و بهره گیری از نهادهای غیرقضایی مانند مددکار اجتماعی برای حمایت از آنان، غافل مانده، با این حال لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، نقشهای متعددی را برای مددکاران اجتماعی در نظام عدالت کیفری در نظر گرفته است؛ طبق این لایحه، مددکار اجتماعی در مرحله پیش از رسیدگی می تواند با ارایه گزارش بزه دیدگی به مراجع قضایی، روند ورود اطفال و نوجوانان بزه دیده را به فرآیند کیفری تسهیل کند.

وظیفه دیگر مددکار اجتماعی در این مرحله، انجام تحقیقات و مصاحبه با کودک و نوجوان بزه دیده است.

مددکار اجتماعی با استفاده از مهارت مصاحبه و برقراری یک رابطه حرفه ای با آنان، می تواند از یک طرف موجبات همکاری این افراد را با مراجع قضایی ایجاد کند و از طرف دیگر از بزه دیدگی ثانویه که ناشی از عدم آگاهی مقامات قضایی در چگونگی برخورد و تحقیق از آنان است، جلوگیری کند.

در مرحله رسیدگی و صدور حکم، مددکار اجتماعی با تشکیل پرونده شخصیت، می تواند قاضی را در صدور حکم حضانت و سرپرستی با هدف پیشگیری از بزه دیدگی و ترمیم آثار آن، یاری رساند، همچنین مددکار اجتماعی از طریق آشنایی این افراد با حقوق خود و روند فرآیند کیفری و با ایجاد شرایطی برای مشارکت غیرحضوری در روند دادرسی، نقش مهمی را در حمایت از آنان در این مرحله ایفا میکند.



در مرحله اجرای حکم و پس از آن نیز مددکار اجتماعی با نظارت بر اجرای تدابیر و تصمیمات اصلاحی صادره ضمن حکم محکومیت بزهکار و پیگیری وضعیت کودک و نوجوان بزه دیده پس از اجرای حکم، می تواند نظام عدالت کیفری را به اهداف حمایتی و پیشگیرانه خود از این قشر، نزدیک نماید.

با این حال تا تصویب لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، عملاً مددکاران اجتماعی از پشتوانه قانونی لازم برای ارائه خدمات خود به کودک و نوجوان بزه دیده، برخوردار نیستند. در صورت تصویب این لایحه نیز گرچه خلای قانونی برای حضور مددکاران اجتماعی در فرآیند دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان بزه دیده تا حدودی برطرف می شود اما عدم پیش بینی ساز و کارهای قانونی و اجرایی لازم برای ارائه خدمات تخصصی این نهاد و حضور الزامی آنان در تمام مراحل دادرسی کیفری، همچنین عدم استخدام آنان در نظام قضایی، از چالش های اساسی این لایحه برای مشارکت مددکاران اجتماعی در فرآیند کیفری به شمار می رود.

امید است با رفع خلاها و نواقص لایحه مذکور، شاهد حضور فعال مددکاران اجتماعی در سراسر فرآیند کیفری اطفال و نوجوانان بزه دیده باشیم.

فهرست منابع

- ۱- اقلیما، مصطفی و راهب، غنچه؛ مددکاری فردی (کار با فرد)، تهران، انتشارات دانژه، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- ۲- امیری تبار، علی، تعلیق مراقبتی، ماهنامه دادرسی، دوره ۱۲، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۷۲.
- ۳- باقری، جبار، مددکاری اجتماعی در زندان، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۹۳.
- ۴- پرنور، محمد، نقش مددکاری اجتماعی در اجرای مجازات‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸.
- ۵- جانسون، لوئیز، حرفه مددکاری اجتماعی از دیدگاه جامع، ترجمه محمد بازرگان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۹.
- ۶- دانش، تاج‌زمان، دادرسی اطفال در حقوق تطبیقی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۸.
- ۷- شریعت، حسین، مجازات‌های جایگزین در مورد اطفال بزه‌کار و تطبیق آن با اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۳.
- ۸- شریف‌زاری، ژینوس، حمایت از اطفال بزه دیده در فرآیند دادرسی کیفری ایران و انگلستان، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷.
- ۹- قماشچی، فردوس، کودک آزاری و پیامدهای آن بر رشد روانی-اجتماعی کودکان آزاردیده، تهران، انتشارات معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا، ۱۳۸۵.
- ۱۰- قماشچی، فردوس، مشاوره و مددکاری اجتماعی و پلیس، تهران، انتشارات معاونت آموزشی ناجا، ۱۳۸۸.
- ۱۱- قندی، محسن، مددکاری اجتماعی، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۴۷.
- ۱۲- مهدوی، مهدی، پیشگیری از جرم (رشدمدار)، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
- ۱۳- موسوی چلک، حسن، مددکاری اجتماعی (کار با فرد)، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.



- ۱۴- نقدی نژاد، مجتبی، پیشگیری از بزه دیدگی اطفال در سیاست جنایی ایران و اسناد بین المللی، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، ۱۳۹۰.
- ۱۵- خبرگزاری میزان، ۲۳ آبان ۱۳۹۴، لینک مطلب:
<http://www.mizanonline.ir/fa/news/98099>